

« زن و مطالعات خانواده »

سال سوم - شماره 9 - پاییز 1389

ص ص 119 - 97

رابطه هوش معنوی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در

سال تحصیلی 90-89

فرناز فراهنگ پور¹

دکتر اسداله خدیوی²

دکتر یوسف ادیب³

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و عزت نفس دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آن‌ها صورت پذیرفته است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و اطلاعات به وسیله پرسشنامه استاندارد شده عزت نفس آیزنگ و هوش معنوی و هم چنین معدل دانش آموزان جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش آموزان سال سوم متوسطه (شاخه نظری) ناحیه یک شهر تبریز در سال تحصیلی 90-1389 بود که تعداد آنان به 1817 نفر بالغ می‌شد. 357 نفر از این جامعه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و از طریق فرمول کوکران انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور پایایی سوالات از آزمون آلفای کرونباخ و برای اعتبار از اعتبار صوری و نظر استادان استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار spss استفاده گردید. عمده‌ترین یافته‌های تحقیق عبارتند از: بین متغیرهای هوش معنوی با عزت نفس دانش آموزان و هم چنین بین هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه آماری معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. هوش معنوی دختران و پسران یکسان است. عزت نفس دختران بیش‌تر از پسران می‌باشد و پیشرفت تحصیلی پسران بیش‌تر از دختران است. هم چنین طبق رگرسیون چندگانه انجام شده، از بین مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی به ترتیب مؤلفه تفکر اعتقادی، توانایی مقابله با مشکلات، خودآگاهی و علاقه و در گام آخر سجایای اخلاقی به میزان 46% میزان عزت نفس دانش آموزان را تبیین نمودند.

1- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

2- استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس. فاطمه الزهراء تبریز.

3- استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

مقدمه

یکی از عوامل مهم ابعاد مختلف توسعه، نظام آموزشی کشور است که برای پرورش و آموزش نسل جدید هزینه‌های بسیار بالایی را متحمل می‌شود. هزینه‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دوش مردم قرار دارد. اگر نظام آموزشی کشور کارآمد و اثر بخش باشد، در ازای هزینه‌های صرف شده درآمدهای مادی و معنوی عاید مردم و جامعه خواهد شد و چنانچه نظام آموزشی کارآمدی لازم را نداشته باشد، هزینه‌ها بی جهت به هدر خواهد رفت و استعدادهاى دانش آموزان و توانایی‌های آن‌ها که مورد نیاز جامعه است از قوه به فعل نخواهد رسید. در آموزش و پرورش، دوره متوسطه از اهمیت شایانی برخوردار است. از یک سو دانش‌آموزان در حال طی کردن دوران بلوغ هستند که به نوبه خود دغدغه استرس‌های ناشی از آن را متحمل می‌شوند و از سوی دیگر تغییر دوره تحصیلی دانش‌آموزان، متفاوت بودن شیوه‌های آموزش و مهم‌تر از آن‌ها مسأله انتخاب رشته، ادامه تحصیل و اشتغال و تشکیل زندگی در آینده، همگی استرس‌هایی را به همراه دارد که در پیشرفت یا افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر هستند. هم چنین یکی از مسایل مهم در آموزش و پرورش، مساله پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. پیشرفت تحصیلی در نظام آموزشی از اهمیت والایی برخوردار است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا عواملی که عملکرد یادگیرندگان را بهبود و ارتقا می‌دهند، شناسایی نمایند. از جمله عوامل مهمی که به صورت مستقیم می‌توانند در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند، هوش معنوی و عزت نفس دانش‌آموزان می‌باشد. اهمیت عزت نفس برای کسانی که با کودکان و نوجوانان سروکار دارند، امری روشن است شخصی که از عزت نفس برخوردار است خودش را به گونه مثبتی ارزشیابی کرده، برخورد مناسبی نسبت به نظریات مثبت خود و دیگران دارد. در مقابل کسی که به عزت نفس پایین مبتلاست اغلب نوعی نگرش مثبت مصنوعی نسبت به دنیا دارد و در ناامیدی تلاش می‌کند تا به دیگران - و خودش - نشان دهد که او شخص لایقی است و یا ممکن است به درون خویش بخزد و انزوا گزیند و از ارتباط با دیگرانی که از آن‌ها می‌ترسد، اجتناب نماید. شخص مبتلا به عزت نفس پایین، اساساً فردی است که احساس غرور کمی در خودش ادراک کرده است (بیابانگرد، 1384: 20).

بهره مندی از عزت نفس علاوه بر آن که جزئی از سلامت روانی محسوب می‌شود، با پیشرفت تحصیلی نیز مرتبط است. محققان بسیاری دریافته‌اند که بین عزت نفس مثبت و عزت بالا در مدارس رابطه وجود دارد (پوپ و همکاران، 1989). تحقیقات وسیعی که طی سال‌های متمادی صورت گرفته، نشان داده است که در بیش‌تر فعالیت‌های بشر، ارتباطی آشکار بین خودآگاهی مثبت و موفقیت و بازده کاری افراد وجود دارد. از طرفی، ارتباط میان خودآگاهی منفی و بعضی از رفتارهای زیانبار که منشأ مشکلات عدیده اجتماعی شمار می‌روند، ثابت شده است. بنابراین، اگر تمام تلاش خود را برای پیشبرد

رشد عزت نفس بالا در کودکانمان به کار بندیم، بهترین فرصت ممکن را برای رشد و تکامل استعدادهای بالقوه آنان به عنوان افرادی منحصر به فرد و یا اعضای مؤثر جامعه، مهیا کرده‌ایم (استنهاوس، 1385: 10). اما یکی از عوامل تأثیر گذار بر عزت نفس دانش آموزان، که در سال‌های اخیر در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است، هوش معنوی می باشد. هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان شناسان به حوزه دین و معنویت، مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می کند (امونس¹، 1999: 51-73). هوش معنوی از راه‌های چندگانه برای شناخت و درک استفاده می کند و سعی بر این دارد تا زندگی ذهن و روح را با زندگی بیرونی و کاری انسان‌ها به هم پیوند دهد (وگان²، 2002). در واقع، هوش معنوی باعث استفاده بهینه از هوش ادراکی و هوش عاطفی می‌شود (حسینی، الیاس، کراش و آیشا³، 2010). بنابراین با توجه به نقش هوش معنوی که اخیراً مورد توجه کارشناسان و مسئولان قرار گرفته است، این پژوهش به دنبال دستیابی به رابطه میان هوش معنوی دانش آموزان با عزت نفس آن‌ها می باشد.

پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که عزت نفس بالا با عملکرد مناسب تر و مؤثرتر مرتبط است و عامل اصلی در سازگاری اجتماعی - عاطفی می باشد (پوپ⁴، مک هال⁵ و کریهد⁶، 1385). هم چنین اتکینسون⁷ و همکاران (1383) آن را به عنوان یکی از ویژگی‌های فرد بهنجار و سالم در نظر گرفته‌اند. کوپر اسمیت⁸ (1967) عزت نفس را یک قضاوت شخصی از ارزش مندی فرد می داند که به وسیله رفتار کلامی یا غیر کلامی منتقل می شود. شیهان⁹ (1383) و بیابانگرد (1384)، عزت نفس را به عنوان میزان ارزشی که فرد برای تمام صفات و خصوصیات شخصی خود قایل می شود، تعریف می کنند. به نظر کلمز¹⁰، کلارک¹¹ و بین¹² (1383)، عزت نفس از مجموع افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیات فرد در طول زندگی ناشی می شود. به هر حال، عزت نفس عبارت است از ارزشیابی (احساسی یا منطقی) فرد از مجموعه باورهای نسبتاً پایدار (مثبت یا منفی) خود در مورد صفات اختصاصی، توان مندی و دوستی-اش با دیگران. پس عزت نفس ارزشی است که اطلاعات درون خود پنداره¹³، برای فرد دارد و منجر به

1- Emmons

2-Vaughano

3- Hosseini, Elias, Krass & Aishah

4- Pope

5- Mc Hale

6- Craighead

7- Atkinson

8- Cooper Smith

9- Sheehan

10- Clemes

11- Clark

12- Been

13 - Self-concept

شکل گیری احترام به خود¹ (احساس ارزشمندی) و اعتماد به نفس (احساس شایستگی) فرد می گردد (ناموران، زهراکار و ملکی، 1387: 144).

عزت نفس، انعطاف پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می دهد و نگرش های مثبت در جهت پیشرفت احساس خودکفایی را تقویت می کند (ویچروسکی²؛ به نقل از حقیقی و همکاران، 1385). افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، به طور طبیعی کسانی هستند که افکار و عقاید مثبت دارند. از سوی دیگر داشتن یک دید و دورنمای مثبت از زندگی، خود به این معنی است که فرد از عزت نفس بالایی برخوردار است (کوویلیام، 1386: 70).

عوامل متعددی در شکل گیری عزت نفس نقش دارند، این عوامل به دو طبقه عوامل بیرونی و درونی تقسیم می شوند. عوامل بیرونی عبارتند از: خانواده، مدرسه، همسالان و گروه های اجتماعی، رشته تحصیلی، مذهب، فرهنگ، طبقه اجتماعی و نژاد. عوامل درونی (فردی) عبارتند از: خودآگاهی مثبت، خود پنداره مناسب، خود پذیری، داشتن هدف در زندگی، داشتن ملاک های اخلاقی، برخورداری از استعدادها و مهارت های خاص، نظام های خود؟ پاداش دهنده، عملکرد قابل قبول در گذشته و سلوک اجتماعی با دیگران. عزت نفس در طول دوران کودکی شکل می گیرد و با ورود کودک به دنیای بیرون از خانه، تحت تأثیر عوامل مدرسه ای، همسالان و جامعه قرار می گیرد و در اغلب موارد به دلیل عدم هماهنگی این عوامل در شکل گیری عزت نفس بالا، جوانان بخشی از سال های بین 20 تا 30 سالگی را صرف تکمیل مهارت ها، خودآگاهی و عزت نفس می کنند که در سال های قبل کامل نشده است (کلمز و همکاران، 1383).

اریکسون³ به نقل از شارف (1381، 4) در اهمیت عزت نفس، عقیده دارد که داشتن احترام به بالا خود لازمه طی موفقیت آمیز دوره جوانی است که دوره شکل گیری روابط شغلی، همکاری های اجتماعی و برقراری رابطه صمیمی با اشخاص دیگر است. سایر محققان نیز ارتباط بین عزت نفس و متغیرهایی مانند پیشرفت تحصیلی (آبیککی فرد، 1383، فتحی⁵، 2007 و مرتهان⁶، 2004)، کارایی فردی (اسمیت⁷، 2007)، سازگاری اجتماعی و تحصیلی (فردلندر⁸، 2007) را نشان داده اند.

پوپ و همکاران (1989)، اظهار می دارند که افزایش عزت نفس مستلزم بهبود یک یا چند زمینه در حیطه های رفتاری، شناختی، عاطفی و بیولوژیکی در افراد است. ما نمی توانیم مستقیماً عزت نفس را

1- Self-confidence

2- Wichroski

3- Erikson

4- Charf

5- Fathi

6- Mortahan

7- Smith

8- Friedlander

افزایش دهیم ولی می توانیم به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد تغییر در یک یا چند مورد از متغیرهای رفتاری، شناختی، عاطفی و بیولوژیکی بر آن تأثیر بگذاریم (نقل از فاتحی، 1382: 23).

معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی می شود. بیلوتا معتقد است معنویت، نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روزمره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است، این آگاهی ممکن است منجر به تجربه ای شود که فراتر از خودمان است. معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه های مختلفی دارد. ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد (وگان¹، 2002).

هوش معنوی عبارت است از قابلیت رفتار عاقلانه و عاطفی در حالی که فرد با خود و با محیط اطراف در صلح و آرامش است و می تواند محبت خود را بدون در نظر گرفتن شرایط به اطرافیان خود و به خود عرضه دارد (ویگلزورث²، 2006: 15). در مورد این مسأله که هوش معنوی متضمن انگیزش، تمایل، اخلاق و شخصیت است، می توان آن را به نگاه شناخت گرایانه افراد از هوش نسبت داد؟ (نازل، 2004: 47).

مطرح شدن جدی مفهوم و واژه هوش معنوی در ادبیات علمی روان شناسی و مدیریت را باید به زوهر و مارشال (2000) و نیز ایمونز (2000) نسبت بدهیم. زوهر و مارشال در کتاب خود «هوش معنوی، هوش غایی»³ در سال 2000 میلادی چارچوبی برای تعیین انواع هوش ارائه کردند که مبتنی بر کارکرد سیستمهای عصبی مغز می باشد. آنها کارکرد مغز را از دیدگاه عصب شناسی بررسی کردند و همه انواع هوشهای ممکن را به سه نوع سیستم عصبی اصلی در مغز پیوند دادند. زوهر و مارشال سه نوع هوش؛ بهره هوشی، هوش عاطفی و هوش معنوی را شناسایی کردند و عقیده دارند که همه هوشهای دیگر زیر مجموعه های این سه نوع هوش کلی تلقی می شوند. هوش اول که مبتنی بر تفکر خطی مغز است، همان بهره هوشی (IQ) است و مناسب حل مسائل ریاضی و منطقی می باشد. دومین نوع هوش که مبتنی بر تفکر تعاملی⁴ مرکز است، همان هوش عاطفی است و به افراد کمک می کند تا عواطف و احساسات خود و دیگران را مدیریت کنند. هوش معنوی نیز به عنوان سومین نوع هوش، مبتنی بر تفکر وحدت بخش مغز است. زوهر و مارشال (2000: 4) هوش معنوی را به این صورت تعریف می کنند: «هوشی که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزشها را حل می کنیم، هوشی که فعالیتها و زندگی ما را در زمینه ای وسیع تر، غنی تر و معنادار قرار می دهد. هوشی که به ما کمک می کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است».

1- Vaughan

2- Wigglesworth

3- Spiritual Intelligence, The Ultimate Intelligence

4- Associative Thinking

هوش معنوی برای کارکرد اثربخش بهره‌های هوشی و هوش عاطفی ضرورت دارد. هوش معنوی به افراد کمک می‌کند قواعد را جایگزین کنند و با مرزها بازی کنند به ما توانایی تمیز و انتخاب می‌دهد. ما را سرشار از شفقت و ادراک می‌کند و به ما کمک می‌کند محدودیت‌ها را ببینیم (فرهنگی، فتاحی، واثق و نرگسیان، 1388). هوش معنوی جنبه‌های ذهنی و ناملموس معنویت را با اقدامات و مسائل افراد در دنیای عینی و ملموس ترکیب می‌کند (ناسل، 2004: 4). وگان (2002: 16) نیز هوش معنوی را به عنوان توانایی ایجاد معنا مبتنی بر فهم عمیق سوالات وجودی و نیز آگاهی و توانایی استفاده از سطوح چندگانه آگاهی در حل مسأله تعریف می‌کند.

هوش معنوی به ما اجازه می‌دهد که تا آنجایی که ممکن است موقعیت را تغییر یا بهتر کنیم و در واقع به ما فرصت می‌دهد که موقعیت را اداره کنیم (تیری¹، 2006: 37-62). (Tirri, 2006: 37-62). زوهر و برمن² (2001؛ به نقل از انیماساهون 2010: 2). هوش معنوی را با انواع هوش‌ها مقایسه کرده‌اند. برخلاف هوش عقلانی که به منطق، درک و تفکر مربوط است و هوش هیجانی که به عادت، درک الگوها و تفکر هیجانی ربط دارد، هوش معنوی خلاق است و می‌تواند قانون وضع کند یا قانونی را بشکند و قادر به ایجاد تفکر دگرگون‌کننده است. جاشی³ (منبع پیشین) بر این باور است که بین هوش هیجانی و هوش معنوی رابطه مستقیمی وجود دارد که افزایش یکی باعث افزایش آن دیگری می‌شود و برعکس.

جیناسفاسین⁴ (منبع پیشین) تأکید می‌کند که در مراحل تطبیق با محیط اطراف هوش معنوی نقش برتری نسبت به هوش هیجانی دارد.

لوین⁵ (به نقل از حسینی و دیگران، 2010) استفاده از هوش معنوی را فراتر از حواس پنج‌گانه انسان می‌داند و اینکه هوش معنوی ورای منطق و دلیل است که می‌تواند معنا و ارزش زندگی هر کس را تعیین کند.

زوهر و مارشال معتقدند هوش معنوی از طریق جستجوی معنای اصلی موقعیت‌ها، مطرح کردن «چرا» برای مسائل و تلاش برای برقراری ارتباط میان رویدادها رشد می‌کند. هم‌چنین یادگیری و بازشناسی و گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی‌کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود باعث افزایش هوش معنوی می‌شود (نوبل، 2001؛ زهر و مارشال، به نقل از: ناسل، 2004: 63).

1- Tirri
2- Berman
3- Joshi
4- Janeoseffasin
5- Levin

گیج و بردانیر، انگیزه پیشرفت را بیش تر درونی تلقی کرده اند و آن را در ارتباط با موفقیت و شکست تعریف کرده اند تا بر مبنای تأیید و عدم تأیید، مثلاً، وایت¹ (1959) معتقد است که در جریان رشد، موجود زنده مرتباً نیازی درونی به مقابله با محیط را به نمایش می گذارد. از دید وایت، انگیزه شایستگی، رفتارهایی چون کنجکاوی، تسلط یافتن و دستکاری کردن محیط را در بر می گیرد. یادگیری و پیشرفت تحصیلی، به هر میزانی که در خدمت مقابله مؤثر با محیط باشند و شامل تجربه های باشند که تازه و جالب بوده، حس کارایی را در شخص بالا ببرند، به همان میزان برای آن ها از لحاظ درونی انگیزه وجود خواهد داشت. اما نیاز برای احساس کارایی ضرورتاً در جهت پی گیری کارهای تحصیلی هدایت نمی شود (کریمی، 1387). استپیک معتقد است دانش آموزانی که انگیزه پیشرفت دارند، در مقایسه با دانش آموزانی که انگیزه پیشرفت کمی دارند، به مدت طولانی تر در انجام دادن تکلیف استقامت می کنند و به جای این که شکست خودشان را به عوامل بیرونی مانند دشواری تکلیف یا شانس نسبت دهند، آن را به تلاش نکردن (وضعیت درونی و تغییر پذیر) نسبت می دهند و تلاش خود را دو چندان می کنند تا موفق شوند (اسلاوین²، 1385).

«دوگلاس³» پیشرفت تحصیلی را به چند عامل که عبارت بود از: 1- سلامت دانش آموز 2- تعداد افراد خانواده 3- کیفیت مدرسه ربط داد. به نظر می رسد که مهمترین عامل تنها عبارت بود از میزان علاقه والدین به تربیت فرزندانشان. دوگلاس دریافت که علاقه والدین و تشویق آنان در جریان رشد سنی کودکان به طور فزاینده ای در کسب موفقیت تحصیلی اهمیت می یابد (توحیدی، 1384، 15).

لوین (منبع پیشین) در تحقیقی که به میزان همبستگی بین هوش و پیشرفت دروس مختلف پرداخته، به این نتیجه رسیده است که میزان همبستگی بین آن ها $+50(+10)$ درصد است. البته ممکن است که این مقدار در دوره های دبیرستان و دانشگاه کاهش پیدا کند.

در پژوهش های کرنیس، براک نر، و فرانک (1989)، همبستگی دو سویه عزت نفس و پنداشت فرد از توانایی خود تأیید شد. تامپسون و انگلرلیدر (2004) عزت نفس دختران را بیش از پسران گزارش کرده اند و عامل موفقیت تحصیلی دختران را اعتماد به نفس بیشتر و اضطراب کمتر می دانند.

در پژوهش حیدرنیا، ثنایی و طالقانی (1384)، یافته ها نشان داد که: عزت نفس پسران خانواده های عادی بالاتر از پسران خانواده های طلاق (اعم از پسران تحت حضانت مادر و پسران تحت حضانت پدر) است.

1- White

2- Slavin

3- Douglas

4- Kernis, M. H. , Brockner, J. , & Frankel, B. S.

صمدی (1385) در پژوهشی تحت عنوان « هوش معنوی » بیان می کند که کشف وجود تجربه‌های معنوی افراد، تعیین حوزه قلمروهای ویژه در اعصاب، وجود منطقه خدا در ساختار مغز و ساختار معماری مغز در حل مساله، زمینه هایی را برای باور پذیری وجود هوش معنوی به دست می دهد.

جاکس¹ و براس² (2000؛ به نقل از گرین³ و نوبل، 2010) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که باورهای معنوی قوی تری داشتند نسبت به دانشجویانی که باورهای مادی گرا داشتند، روحیه آماده تری برای کسب تجربیات جدید، یادگیری و اهداف زیادی داشتند و نسبت به مسائل و مشکلات کمتر نگران بودند.

در تحقیقی لاکي⁴ و براس (منبع پیشین) رابطه بین باورهای معنوی و سنجش هوش و ویژگی‌های شخصیتی را مطالعه کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عقاید و باورهای معنوی باعث افزایش میزان یادگیری و استفاده از دانش آموخته شده می شود. هم چنین با توانایی و مهارت‌های روان شناختی آموخته شده است که افراد می‌توانند با شرایط جدید خود را وفق دهند. این توانایی‌ها شامل حافظه، سرعت پردازش بیان، قدرت تجسم، آنالیز ادراکی انگیزه و پشتکار می باشد.

ویگلزورث⁵ (2006) در تحقیقی رابطه بین هوش معنوی و توانایی رهبری کردن و مدیریت افراد را سنجید. براساس نتایج این تحقیق افرادی که هوش معنوی بالایی دارند در مواقع بحرانی قادر به کنترل وضعیت به صورت بهتری هستند.

بر اساس یافته‌های جوکیس و باروس (2000؛ نقل از گرین و نوبل، 2010: 30) دانشجویانی که عقاید معنوی بسیار قوی داشتند از دانشجویانی که عقاید مادی گرا داشتند نسبت به جهان پیرامون خود بیش تر کنجکاو بودند، هم چنین تمایل بیش تری برای کسب تجربیات تازه داشتند، برای اهداف خود آگاهانه تلاش می کردند و کمتر نگران عقاید و نظرهای دیگران در مورد خود بودند (جین و پورهیت⁶، 2006).

اهداف تحقیق

- 1- تعیین رابطه بین هوش معنوی و عزت نفس دانش آموزان.
- 2- تعیین رابطه بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.
- 3- مقایسه هوش معنوی دانش آموزان بر اساس جنسیت آن‌ها.
- 4- مقایسه عزت نفس دانش آموزان بر اساس جنسیت آن‌ها.

1- Jewkes
2- Baruss
3- Green
4- Lukey
5- Wigglesworth
6- Jain & Purohit

5- مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر اساس جنسیت آن‌ها.

فرضیه های تحقیق

- 1- بین هوش معنوی و عزت نفس دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- 2- بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد.
- 3- هوش معنوی دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.
- 4- عزت نفس دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.
- 5- پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

سوال تحقیق

سهم هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی در تبیین عزت نفس دانش آموزان چقدر است؟

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی¹ از نوع توصیفی- همبستگی و مقایسه‌ای است.

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان سال سوم متوسطه ناحیه یک تبریز در سال تحصیلی 90-1389 می باشد، که بالغ بر 3134 نفر هستند از میان آن‌ها تعداد دختران 1817 و تعداد پسران 1317 نفر می باشد که با استفاده از فرمول کوکران 357 نفر دانش آموز با استفاده از نمونه گیری خوشه ای تعیین و مورد مطالعه قرار گرفت.

ابزارهای اندازه گیری

در این پژوهش از دو نوع پرسشنامه استاندارد شده برای جمع آوری اطلاعات مربوط به عزت نفس و هوش معنوی استفاده شده است. هم چنین از معدل دانش آموزان برای سنجش پیشرفت تحصیلی آن‌ها بهره گرفته شد.

الف: پرسشنامه استاندارد شده عزت نفس آیزنک که شامل 30 سؤال سه گزینه‌ای می باشد (نقل از پاشا شریفی و همکاران، 1387) که نمره 0 بیانگر کم‌ترین میزان عزت نفس و نمره 23 بیانگر بیش‌ترین میزان

1- Survey

عزت نفس می‌باشد. پایایی پرسشنامه عزت نفس آیزنک توسط علی محمدی (1376)، نقل از پاشا شریفی و همکاران، (1387). به روش آلفای کرونباخ برای هر پایه تحصیلی مقطع دبیرستان به ترتیب معادل 0/0.81/87 و 0/87 و 0/77 گزارش شده است. اعتبار پرسشنامه نیز توسط نجیبی (1374)، نقل از پاشا شریفی و همکاران، (1387) ضریب همبستگی بین نمره های سیاهه عزت نفس کوپر اسمیت و نمره‌های آزمون عزت نفس آیزنک را محاسبه و معادل 0/59 گزارش نموده است. در این پژوهش نیز مقدار پایایی پرسشنامه عزت نفس دانش آموزان 0/83 تعیین گردید.

ب: پرسشنامه استاندارد شده هوش معنوی برگرفته از مقاله بدیع و همکاران (1389) که شامل 42 سوال در 4 عامل می باشد (بدیع و همکاران، 1389) که کم‌ترین نمره 42 و بیش‌ترین نمره هوش معنوی 210 می باشد. در پژوهش بدیع و همکاران (1389) برای تعیین پایایی پرسشنامه هوش معنوی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با 0/85 و 0/78 می باشد و بیانگر پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده است. هم چنین برای تعیین اعتبار پرسشنامه یاد شده نمره آن با نمره سوال ملاک همبسته شده و مشخص گردید که رابطه مثبت معنا داری بین آن‌ها وجود دارد ($r=0/55$ و $P=0/0001$) که نشان می‌دهد پرسشنامه هوش معنوی از اعتبار لازم برخوردار است (منبع پیشین). در این پژوهش نیز مقدار پایایی پرسشنامه هوش معنوی دانش آموزان 0/79 تعیین گردید.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر روش های آمار توصیفی، از جمله فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف وضعیت آزمودنی ها در متغیرها به کار رفته است. هم چنین برای بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون r و برای مقایسه میانگین گروه‌ها از t-test مستقل و جهت پاسخ به سؤال تحقیق نیز از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است.

فرضیه اول تحقیق: بین هوش معنوی و عزت نفس دانش آموزان دختر و پسر رابطه وجود دارد.

جدول 1: ضریب همبستگی متغیرهای هوش معنوی و

عزت نفس در آزمودنی‌ها

عزت نفس	متغیرها
0/62	هوش معنوی
0/000	

جدول 1 نشان می دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح (0/000) معنادار است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می شود و بین متغیرهای هوش معنوی و عزت نفس رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم تحقیق: بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر رابطه وجود دارد.

جدول 2: ضریب همبستگی متغیرهای هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی در آزمودنی ها

پیشرفت تحصیلی	متغیرها
0/07	هوش معنوی
0/15	

جدول 2 نشان می دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده، معنادار نیست. بنابراین فرضیه دوم تحقیق رد می شود.

فرضیه سوم تحقیق: میزان هوش معنوی دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

جدول 3: شاخص های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر هوش معنوی با تفکیک جنسیت

شاخص های متغیر	تعداد	میانگین	خطای استاندارد	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری
هوش معنوی	دختر	150/83	16/37	279/71	0/17	0/86
	پسر	151/17	20/12			

جدول 3 بیانگر شاخص های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر هوش معنوی با تفکیک جنسیت است. که نشان می دهد در این متغیر، تفاوت میانگین های دو گروه معنادار نیست. بنابراین، فرضیه تحقیق رد می شود.

فرضیه چهارم تحقیق: میزان عزت نفس دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

جدول 4: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه

میانگین متغیر عزت نفس با تفکیک جنسیت

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	خطای استاندارد	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری	عزت نفس	
							دختر	پسر
	207	15/15	3/91	355	3/12	0/002		
	150	13/8	4/17					

جدول 4 بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر عزت نفس با تفکیک جنسیت است. که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (0/002) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و چون میانگین نمره‌های عزت نفس دانش‌آموزان دختر بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که میزان عزت نفس دختران از پسران بیشتر است.

فرضیه پنجم تحقیق: میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

جدول 5: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه

میانگین متغیر پیشرفت تحصیلی با تفکیک جنسیت

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	خطای استاندارد	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی داری	پیشرفت تحصیلی	
							دختر	پسر
	207	16/22	2/25	355	2/89	0/004		
	150	16/9	2/05					

جدول 5 بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر پیشرفت تحصیلی با تفکیک جنسیت است. که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (0/004) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و چون میانگین نمره‌های پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که میزان پیشرفت تحصیلی پسران از دختران بیشتر است.

سوال تحقیق: سهم هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی در تبیین عزت نفس دانش آموزان چقدر است؟

جدول 6 بیانگر مؤلفه‌های باقیمانده متغیر هوش معنوی در شکل رگرسیونی است. که ضریب همبستگی چندگانه آن‌ها با عزت نفس دانش آموزان برابر $R=0/68$ و ضریب تعیین برابر $R^2=0/46$ و ضریب تعیین خالص برابر $\bar{R}^2=0/46$ محاسبه شده و مجموع مؤلفه‌های هوش معنوی به میزان 46 درصد عزت نفس دانش آموزان را تبیین می‌کنند. جدول 8 نشان می‌دهد که تفکر کلی و اعتقادی دانش‌آموزان با بتای (0/478)، توانایی مقابله با مشکلات با بتای (0/194)، خودآگاهی و عشق و علاقه با بتای (0/228)، و سجایای اخلاقی با بتای (-0/146) در تبیین عزت نفس دانش آموزان سهم معناداری دارند.

جدول 6: ضریب همبستگی چندگانه برای عزت نفس دانش آموزان

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
1	0/68	0/46	0/46	2/98

جدول 7: ضرایب متغیرهای باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

سطح معنی داری	نسبت T	ضرایب		ترتیب ورود متغیرهای مستقل در شکل	
		استاندارد شده	ضرایب خام		
		Beta	Std. Error	B	
0/002	3/17		1/37	-4/37	مقدار ثابت
0/000	8/28	0/478	0/03	0/296	تفکر کلی و اعتقادی
0/000	3/78	0/194	0/03	0/112	توانایی مقابله با مشکلات
0/000	4/29	0/228	0/04	0/21	خودآگاهی و عشق و علاقه
0/004	2/86	-0/146	0/04	-0/122	سجایای اخلاقی

(توانایی مقابله با مشکلات) 0/194 + (تفکر کلی و اعتقادی) 0/478 = عزت نفس دانش آموزان : معادله خط
(سجایای اخلاقی) 0/146 - (خودآگاهی و عشق و علاقه) 0/228 +

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر به رابطه بین هوش معنوی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته شد. نتیجه تحقیق بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین هوش معنوی و عزت نفس دانش آموزان است. وگان (2002) بر این باور است که معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی می شود و موجب افزایش عزت نفس در افراد می گردد. وجدان پرست (1378) معتقد است که از برجسته ترین ویژگی های افراد خلاق، داشتن عزت نفس یا احساس ارزشمندی بالاست. پوپ، مک هیل و کریمد (1385) بر این باورند که عزت نفس بالا با عملکرد مناسب تر مرتبط است. اتکینسون و همکاران (1383) معتقدند که عزت نفس به عنوان یکی از ویژگی های فرد بهنجار و سالم است. کلمز، کلارک و بین (1383) بر این باورند که عزت نفس از مجموع افکار، احساس ها، عواطف و تجربیات فرد در طول زندگی ناشی می شود. فرنچ (1968) و وارگو (1972) به نقل از هاف من، آشپیز و له وی شیف، (1988) بر این باورند که عزت نفس به عنوان یک سپر فرهنگی در مقابل اضطراب می باشد. عارف نژاد (1389) درباره عزت نفس می گوید: انتظار می رود افراد با عزت نفس پایین هیجانات منفی بیشتری همچون افسردگی را گزارش دهند و در عوض آنهایی که عزت نفس بالایی دارند، اغلب عملکرد آموزشی بهتری دارند. ویچروسکی (2000؛ به نقل از حقیقی و همکاران، 1385) می گوید عزت نفس انعطاف پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می دهد و نگرش های مثبت در جهت پیشرفت احساس خود کفایی را تقویت می کند. بیابانگرد (1384) بر این باور است که هر چه خود ایده آل با خود یا خویشتن فرد نزدیک تر باشد، عزت نفس فرد بیشتر تر و شخصیت وی متعادل تر است. کلمز و همکاران (1383) معتقد است عوامل بیرونی و درونی در شکل گیری عزت نفس مؤثرند. عوامل بیرونی مثل رشته تحصیلی و خانواده و مدرسه و مذهب و فرهنگ و طبقه اجتماعی و... و عوامل درونی مثل خودآگاهی مثبت و خود پنداره مناسب و خودپذیری و داشتن هدف در زندگی و نظام های خود پاداش دهنده و در واقع هوش معنوی در شکل گیری بهتر عزت نفس مؤثر است. کو ویلیام (1386) بر این باور است که داشتن افکار و عقاید و یک نگاه و دورنمای مثبت از زندگی، خود به معنی داشتن عزت نفس بالا در فرد است که از هوش معنوی فرد سرچشمه می گیرد. کوپر اسمیت (1967) معتقد است که کودکان برخوردار از عزت نفس بالا افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می پردازند و براحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی گیرند. استنک (1972؛ به نقل از بیابانگرد، 1384) دریافت که ارتباط متقابل بین عزت نفس و تصور فرد از توانایی خود، مورد تأیید قرار گرفت. سان سان وال (به نقل از بهروزی، 1385) دریافت که آزمودنی های باهوش بالا و اعتماد به نفس

بالا، خلاقیت بالاتری از دیگر آزمودنی‌ها نشان داده‌اند. عزت نفس با حس اتکا به نفس، احساس ارزشمندی و تصور فرد از خود، ارتباط معناداری دارد و هر گونه نقصان و کاهش در عوامل مذکور موجب تغییراتی در کل رفتار فرد می‌گردد. آشوری (1376) دریافت رفتار والدین بر روی عزت نفس نوجوانان مؤثر است، بدین صورت که فرزندان والدین دموکرات، عزت نفس بالاتری داشته‌اند. با توجه به نظریه‌ها و نتایج حاصله و هم‌چنین نتیجه این فرضیه مبنی بر وجود رابطه قوی بین هوش معنوی و عزت نفس دانش‌آموزان، می‌توان چنین برداشت نمود که وجود مؤلفه‌های هوش معنوی بالاخص مؤلفه تفکر اعتقادی و توانایی مقابله با مشکلات و خودآگاهی در بین دانش‌آموزان، موجب افزایش عزت نفس آن‌ها می‌گردد. در واقع با تقویت هوش معنوی در وجود دانش‌آموزان، عزت نفس و خودکنترلی آن‌ها افزایش یافته و منجر به بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها نیز می‌گردد. نتیجه دیگر تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. مک‌لند (به نقل از رضابخش، 1373) بر این باور است که انگیزش پیشرفت یک ویژگی شناختی و هیجانی است که در درون انسان می‌باشد و توسط تجارب اولیه تعیین می‌گردد. زوهر و مارشال (2000) می‌گویند که هوش معنوی، هوشی است که توسط آن مسائل معنادارتر و ارزش‌ها را حل می‌کنیم و فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمینه‌ای وسیع‌تر، غنی‌تر و معنادار قرار می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است. لاک‌ی و براس (2004؛ به نقل از گرین و نوبل، 2010) دریافتند که عقاید و باورهای معنوی نه تنها باعث افزایش میزان یادگیری و استفاده از دانش آموخته می‌شود، این توانایی‌ها شامل حافظه، سرعت پردازش، بیان، قدرت تجسم، آنالیز ادراکی انگیزه و پشتکار می‌باشد. آنیما ساهون (2010) دریافت که هوش هیجانی و هوش معنوی نقش مهم‌تر از هوش ادراکی دارند و بهتر است در آموزش به جای تأکید هوش ادراکی و با هوش بودن افراد، روی هوش هیجانی و هوش معنوی دانش‌آموزان و افراد دیگر کار شود. بیابانگرد (1384) بر این باور است که اگر یک کودک پیشرفت تحصیلی خوبی با توجه به معیارهای مورد قبول جامعه داشته باشد (که طبیعتاً این معیارها توسط خانواده، مدرسه، معلمان و دوستان شکل گرفته‌اند)، از عزت نفس تحصیلی که ناشی از هوش معنوی بالا می‌باشد، برخوردار است. پوپ و همکاران (1989) می‌گویند که محققان دریافتند که بین عزت نفس مثبت و نمرات بالا در مدارس رابطه وجود دارد. بنابراین با توجه به نظریه‌های نظریه پردازان ذکر شده و هم‌چنین بر اساس نتایج این فرضیه در باره دانش‌آموزان مورد مطالعه، می‌توان چنین برداشت نمود که علی‌رغم وجود رابطه هوش معنوی با توانایی حل مسئله و یادگیری و به دنبال آن پیشرفت تحصیلی، با توجه به ناشناخته بودن هوش معنوی در بین دانش‌آموزان ایرانی و عدم آموزش مؤلفه‌های آن از سوی خانواده و مدرسه، در این پژوهش هوش معنوی نقشی در افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ندارد. نتیجه دیگر تحقیق نشان می‌دهد که میزان هوش معنوی دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر تفاوت معناداری ندارد. با توجه به این که در مورد میزان هوش معنوی دانش‌آموزان دختر و پسر به تفکیک تحقیق انجام

نشده است، بنابراین نتیجه این فرضیه به عنوان پیشینه تحقیقات آینده خواهد بود که هیچ گونه تفاوتی در هوش معنوی دختران و پسران مشاهده نشد. با توجه به اهمیت هوش معنوی در این برهه از زمان که عصر اطلاعات و تکنولوژی می باشد و با توجه به اهمیت وجود و به کارگیری مؤلفه های هوش معنوی در بین نوجوانان و جوانان بر اساس نظریه های نظریه پردازان و نتایج تحقیقات پیشین « بیلوتا معتقد است معنویت، نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روز مره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است، این آگاهی ممکن است منجر به تجربه ای شود که فراتر از خودمان است و معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه های مختلفی دارد؛ ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد زوهر و مارشال (2000) معتقد است که هوش معنوی مبتنی بر تفکر وحدت بخش مغز است. فرهنگی و همکاران (1388) بر این باور است که هوش معنوی به افراد توانایی تمییز و انتخاب می دهد. ناسل (2004) معتقد است که هوش معنوی جنبه های ذهنی و ناملموس معنویت را با اقدامات و مسائل افراد در دنیای عینی و ملموس ترکیب می کند. زوهر و مارشال (2000) معتقدند که هوش معنوی استعدادهای ذهنی است که انسان در حل مسائل معنوی و ارزشی خود به کار می گیرد و زندگی و کارهای خود را در حالتی گسترده از وسعت و غنا و معنا قرار می دهد. امونس (2000) بر این باور است که هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل، می تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد. فردی با هوش معنوی بالا، دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای روبرو شدن با دشواری ها و سختی ها و فراتر از آن رفتن، ظرفیتی برای الهام و شهود، نگرش کل نگر به جهان هستی، در جست و جوی پاسخ برای پرسش های بنیادی زندگی و نقد سنت ها و آداب و رسوم است. گلمن (1995؛ به نقل از حسینی و دیگران، 2010) معتقد است که هوش هیجانی نمی تواند خلاء احساسی موجود بین رابطه انسان و دیگران را پر کند و نیاز به هوش معنوی حس می شود تا ما بفهمیم که چه هستیم و اشیای اطراف چه معنی می دهند و می توانیم به کمک هوش معنوی جای خود را در این جهان پهناور بفهمیم و هوش معنوی کمک می کند تا آن چه را که بالقوه داریم به بالفعل تبدیل کنیم، هوش معنوی تأثیر شگرفی بر کیفیت زندگی افراد در تمامی زمینه ها (تحصیلی - شغلی و زندگی خانوادگی) دارد. زوهر و مارشال (2000؛ به نقل از حسینی و دیگران، 2010) بر این باور اند که هوش معنوی راهی برای جواب دادن به سؤالات و کنترل مشکلات و راهیابی به معنا و ارزش زندگی می داند، هوش معنوی می تواند انسان را به مرحله بالاتر از معنا ببرد. ویگورث (2006) دریافت که افرادی که هوش معنوی بالایی دارند در مواقع بحرانی قادر به کنترل وضعیت به صورت بهتری هستند، از آنجائی که هوش معنوی باعث آگاهی بالاتر می شود این افراد قادرند با مهربانی و با عشق وارد عمل شده و اقدام عاقلانه و ذینفع را انجام دهند. نه تنها هوش معنوی باعث اقدام همدردانه و همدلی می شود، بلکه درک درستی از موقعیت و وضعیت را به فرد می دهد که باعث می شود آن فرد بتواند تصمیم سریع و درستی را بگیرد» و براساس نتایج پژوهش آستین، لیند هولم، برایانت، کالدون و

زلیببی (2004)؛ به نقل از گرین و نوبل، 2010 دانشجویان ارزش و علاقه زیادی به معنویت دارند، اما بیش‌تر از 56 درصد از دانشجویان بر این باور هستند که استادان آن‌ها در کلاس این فرصت را به آن‌ها نمی‌دهند تا در مورد این مسائل بحث کنند، می‌توان چنین برداشت نمود که علی‌رغم اهمیت هوش معنوی در زندگی روزمره در بین دختران و پسران، متأسفانه این امر در بین آن‌ها از سوی والدین و مدرسه و حتی دانشگاه به دانش‌آموزان آموزش داده نشده و حتی در صورت انجام برخی از شاخص‌های آن، توسط دانش‌آموزان و دانشجویان از سوی استادان ممانعت به عمل می‌آید، لذا این عدم تفاوت هوش معنوی در بین دانش‌آموزان در این پژوهش را می‌توان ناشی از عدم آموزش و عدم به‌کارگیری آن در بین افراد جامعه دانست. هم‌چنین از نتایج تحقیق حاضر این بود که میزان عزت نفس دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر بیش‌تر است. جلالی و نظری (1388) دریافتند که عزت نفس در دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر به میزان معناداری بیش‌تر است. تامسون و انگلرلیدر (2004) دریافتند که عزت نفس دختران بیش‌تر از پسران است و عامل موفقیت تحصیلی دختران اعتماد به نفس بالا و اضطراب کم‌تر است. معرفت (1377) و جدان پرست (1378) هرمزی نژاد، شهنی بیلاق و نجاریان (1379) دریافتند که تفاوتی میان دختر و پسر در متغیر عزت نفس وجود ندارد. پورشافی (1370) دریافت که بین میزان عزت نفس دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. غباری و حجازی (1386) دریافت که دانش‌آموزان دختر و پسر تیز هوش و عادی در میزان عزت نفس تفاوتی ندارند. بنا به شواهد موجود دختران به دلیل توانایی برقراری روابط اجتماعی قوی، دوستان و آشنایان بیش‌تری در کنار خود دارند که می‌توانند در مواقع سختی و مشکلات زندگی از کمک‌های آنان بهره‌مند شوند. لذا در موقعیت‌های بحرانی احساس امنیت خاطر بیش‌تری می‌کنند و به تبع آن نسبت به پسران از عزت نفس بالاتری برخوردارند. هم‌چنین از نتایج تحقیق حاضر این بود که میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر در مقایسه با دانش‌آموزان دختر بیش‌تر است. طبق شواهد موجود پسران در کلاس درس از تمرکز حواس بیش‌تری برخوردارند و از آن جایی که نسبت به دختران سعی در رشد همه‌جانبه خود دارند و به عبارتی تک‌بعدی رشد نمی‌کنند و به رشد تمام‌جانبه‌های زندگی مثل رشد و سلامت جسمانی خود از طریق توجه به ورزش کردن، بیش‌تر از دختران ارزش می‌دهند و این خود غیرمستقیم باعث تخلیه انرژی‌های منفی و از بین رفتن تفکرات پوچ و خسته‌کننده ذهن می‌شود و در نهایت باعث داشتن ذهنی آزاد برای مطالعه بهتری می‌شود و از رشد سایر جنبه‌های زندگی به طور غیرمستقیم برای پیشرفت تحصیلی نیز بهره‌مند می‌شوند. در نهایت نتایج تبیینی تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی به میزان 46 درصد میزان عزت نفس دانش‌آموزان را به ترتیب اولویت: تفکر کلی و اعتقادی، توانایی مقابله با مشکلات، سجایای اخلاقی، خودآگاهی و عشق و علاقه دانش‌آموزان تبیین نمودند، بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که وجود تفکر اعتقادی در بین افراد می‌تواند در افزایش عزت نفس آن‌ها نقش مؤثری داشته باشد که اگر وجود سجایای اخلاقی، توانایی

مقابله با مشکلات و هم چنین آگاهی و علاقه افراد نیز افزایش یابد به میزان زیادی در افزایش عزت نفس آن‌ها و نهایتاً در بهبود عملکرد تحصیلی شان نقش مؤثری به جا می‌گذارد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و با توجه به این که، این پژوهش بر روی گروه نوجوانان 17 ساله (دانش آموز سال سوم دبیرستان) اجرا شده است، در تعمیم آن به سایر گروه‌های سنی باید جانب احتیاط را رعایت نمود. از آن‌جا که نتایج پژوهش نشان داد، بین هوش معنوی دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد، با توجه به جدید بودن واژه هوش معنوی در بین دانش آموزان، والدین و حتی برخی از مسئولان مدارس، پیشنهاد می‌شود مدیران، مشاوران و معلمان مدارس با کسب اطلاع درباره مؤلفه‌های هوش معنوی و آموزش آن‌ها به دانش آموزان در کلاس‌های درسی و کلاس‌های جبرانی، اهتمام کرده، در افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس و کسب نمرات بهتر دانش آموزان در دروس تلاش مضاعفی مبذول دارند. با توجه به نتایج پژوهش که میزان عزت نفس دختران بیش‌تر از پسران است. پیشنهاد می‌گردد معلمان مدارس پسرانه با روش تدریس فعال در کلاس و میدان دادن بیش‌تر به دانش آموزان و هم‌چنین خوش رفتاری در کلاس درس، دانش آموزان را به افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس رهنمون سازند. بر اساس نتیجه حاصل شده مبنی بر عدم وجود تفاوت بین هوش معنوی دختران و پسران روشن می‌شود که هوش معنوی و معنویت امری فراتر از جنسیت بوده و انسان شمول است. لذا پیشنهاد می‌شود که با توجه به مهم بودن و تأثیرگذاری هوش معنوی و معنویت و با توجه به تأثیر عمیق ایمان حقیقی به هوش متعال در رشد و پیشرفت همه جانبه (چه مادی چه غیر مادی) در تمام مسیر زندگی نه تنها مدیران و مشاوران و معلمان مدارس، بلکه تمام مجریان تعلیم و تربیت از جمله مادران، از بدو تولد و سپس مربیان دلسوز پیش دبستانی تا استادان دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛ در وهله اول به خودسازی و افزایش معلومات و اطلاعات خود و تحقیق و پژوهش در حیطه معنویت اهمیت دهند و در وهله دوم به انتقال و رشد صحیح این هوش و معنویت به صورت علمی و دقیق وقت بگذارند تا شاهد توسعه جمعی هوش معنوی جامعه مان باشیم و در زیر سایه این رشد معنوی که پاکی ذهن و نیت را به دنبال خواهد داشت، شاهد طرح‌ها و ایده‌های جدید که حاصل تراوش این ذهن‌های پاک و خلاق، است باشیم.

منابع

- آبینیکی فرد، ز. (1383). رابطه بین عزت نفس، انگیزه ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان شاهد تهران و مقایسه ی اثربخشی دو روش حل مسأله و مهارت‌های ارتباطی در افزایش عزت نفس آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- آشوری، الهه. (1376). بررسی رابطه ی عزت نفس و ویژگی‌های فردی، خانوادگی در دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- اتکینسون، ر. و همکاران. (1383). زمینه ی روانشناسی هیلگارد، ترجمه: براهنی، م و همکاران، تهران: رشد، جلد دوم.
- استنهاوس، گلن. (1383). کلیدهای پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، ترجمه: آزادمنش، ن، تهران: صابرنیا.
- استنهاوس، گلن. (1385). اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، ترجمه: ناهید آزادمنش، تهران: صابرنیا، چاپ یازدهم.
- استتیک، دیورا. (1380). انگیزش برای یادگیری (از نظریه تا عمل)، ترجمه رمضان حسن‌زاده، نرجس عمومی، مشهد، دنیای پژوهش.
- اسلامی نسب، علی. (1373). روانشناسی اعتماد به نفس، انتشارات مهرداد.
- اسلاوین، رابرت، ای. (1385). روانشناسی تربیتی (نظریه و کاربرست) ترجمه: یحیی سید محمدی تهران: نشر روان
- بدیع، ع، سواری، ا، باقری دشت بزرگ، ن و لطیفی زادگان. (1389). ساخت و اعتبار یابی پرسشنامه هوش معنوی کتاب خلاصه مقالات اولین همایش ملی روانشناسی دانشگاه پیام نور تبریز. اردیبهشت 1389.
- بهروزی، ن. (1385). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی باخلاقیت و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجو معلمان مرد مرکز آموزش ضمن خدمت فرهنگیان اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد.

- بیابانگرد، ا. (1384). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- پاشا شریفی، ح. حسینی، ن. احقر، ق و ن شریفی. (1387). پرسشنامه پژوهشی در زمینه روان شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جامعه شناسی. تهران: انتشارات سخن.
- پوپ، آ. مک هال و کریهد. (1385). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان، ترجمه: تجلی، پ، تهران: رشد.
- پورشافعی، ه. (1370). بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دوره متوسطه شهرستان قائن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- توحیدی، حمید. (1384). بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. طرح تحقیقاتی آموزش و پرورش ناحیه 4 تبریز.
- جلالی، د و آ، نظری. (1388). تأثیر آموزش الگوی یادگیری اجتماعی بر عزت نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس سوم دوره راهنمایی، تحقیقات علوم رفتاری، دوره 7، شماره 1.
- حسینی، محمدعلی، محمود دژگام و ژیلا میرلاشادی. (1386). همبستگی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، صص 137-42.
- حقیقی، ج، م موسوی، م، مهرابی زاده هنرمند و ک، بشلیده. (1385). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره 1، صص 78-61.
- حیدرنیا، ا، ب ثنایی و ن طالقانی. (1384). سلامت روان و عزت نفس دانش آموزان پسر دوره راهنمایی در خانواده های عادی (تحت حضانت پدر و تحت حضانت مادر)، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 19، صص 74-55.
- رضابخش، ح. (1373). بررسی انگیزش پیشرفت در یادگیری و آموزش بر عوامل وابسته به آن در دانشجویان دانشگاه های دولتی ایران. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحصیلات تکمیلی و تحقیقات عالی.

- شارف، ر. (1381). **نظریه های روان درمانی و مشاوره**، ترجمه: فیروز بخت، م، تهران: رسا.
- شیهان، ا. (1383). **عزت نفس**، ترجمه: گنجی، م، تهران: ویرایش.
- صمدی، پ. (1385). **هوش معنوی**. مجله اندیشه های نوین تربیتی، دوره 2، شماره 3 و 4 پاییز و زمستان 1385، صفحات 99-114.
- عارف نژاد، س. (1389). **بررسی مقایسه ای هوش اجتماعی و عزت نفس دانش آموزان دوزبانه و تک زبانه مقطع متوسطه شهر تبریز و منطقه یک شهر تهران و رابطه آن دو**. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و تربیتی.
- غباری، باقر و م، حجازی. (1386). **رابطه جرأت ورزی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیز هوش و عادی**، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی سال هفتم، شماره 3، صص 299-316.
- فاتحی خشکناز، ل. (1382). **بررسی ارتباط بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان شاهد (فرزندان شهید و شهیده) در استان آذربایجان شرقی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فرهنگی، ع، ا، م فتاحی، ب واثق و ع نرگسیان. (1388). **هوش پیش بینی کننده رهبری تحول آفرین: بررسی روابط میان هوش معنوی، هوش عاطفی و رهبری تحول آفرین**، فصلنامه علوم مدیریتی ایران، سال چهارم، شماره 15، صص 31-57.
- کریمی، یوسف. (1387). **روان شناختی شخصیت**. تهران: نشر ویرایش.
- کلمز، ه. و همکاران. (1383). **روشهای تقویت عزت نفس نوجوانان**، ترجمه: علیپور، پ، مشهد: به نشر.
- کوویلیام، س. (1386). **زندگی نشاط آور**، ترجمه: عباس خوش خبر و فیروزه قاضی عسگری، تبریز: افق دانش.
- معرفت، ع. (1377). **بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی مدارس دولتی و نمونه مردمی شهر ری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

- ناموران گرمی، ک، کیانوش زهرا کار و صادق ملکی آوارسین. (1387). **بررسی اثربخشی معناداری گروهی بر عزت نفس دانشجویان دختر خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال تحصیلی 87-86**، فصلنامه علوم تربیتی، سال اول، شماره 3، صص 141-162.
- هرمزی نژاد، م. م. شهینی بیلاق و ب نجاریان. (1379). **رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال گرایی با ابراز وجود دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز**، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، 303، 4، 29-50.
- وجدان پرست، ح. (1378). **بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی مرکز تربیت معلم**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- Animasahun, A. R. (2010). **Intelligent quotient, emotional intelligence and spiritual intelligence as correlates of prison adjustment among inmates in Nigeria prisons**. J Soc Sci, 22 (2):121-128.
- Cooper smith, H. (1967). **The Antecedents of Self-esteem**, W. H. , Frecman and Company Sanfrancisco.
- Emmons, R. A. (2000). **In spirituality and intelligence? Motivation, Cognition and the psychology of ultimate concern**, International Journal for the Psychology of Religion, 10 (1):3-26.
- Emmons, R. A. , Ceung, C. , & Tehrani, K. (1999). **Assessing Spirituality through personal goals: Implications for research on religion & Subjective well-being**. Social Indicator Research, 45, 391-422.
- Fathi, H. (2007). **A Study on the Relationship between self-esteem and academic Achievement of Iranian students**. Thesis for MA in education, Sains Malaysia university.
- Fried, Lander, L. (2007). **Social support, self-esteem and stress as predictors of adjustment to university among fist-year under graduates**, Journal of college student development, V 48.
- Green, N. W. & Noble, D. K. (2010). **Fostering spiritual Intelligence undergraduates, Growth in a course about consciousness**. Advanced Development Journal, Vol. 12, P:26-48.
- Hoffman, M. A. Ushpiz, V. , & Levy-shiff. R. (1988). **Social support and self-esteem in adolescence**. Journan of Youth and Adoloscence, 17 (4), 307-316.
- Jain, M. & Purohit, P. (2006). **Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens**. Journal of the Indian academy of Applied Psychology, Vol. 32, NO. 3, 227-233.
- Kernis, M. H. , Brockner, J. , & Frankel, B. S. 1989. **Self-esteem and reactions to failure**. Journal of Personality and social Psychology, 57 (4), 707-714.

- Mortahan, M. (2004). **The Relationship between task self-esteem and English language achievement of Non-Indian ESL Learners-based in India**. Ph. D. Aligarh Muslim university.
- Nasel, D. D. (2004). **Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence**. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy, University of south Asutralia.
- Nobel, K. D. (2000). **Spiritual intelligence: A new frame of mind**. Advanced Development Journal, 9,1-28.
- Pope, W. Alic, Mchale, M. S. & Edward, W. (1989). **Self-esteem Enhancement with children and adolescents**, New York, Pergamon Press.
- Smith, G. (2007). **Parenting effects on self-efficacy and self-esteem in lote adolescence and how those factors impact adjustment to college**, Philadelphia: Eestern Psychological Association, Ph.
- Thompson, T. and CH. Ungerlider. (2004). **Students Achieve better in Single sex Schools, Researchers for the Canadian Center for Knowledge, Singl sex schoding-final Report November**, [http://www. Cmec. Ca/stats/singlegender](http://www.Cmec.Ca/stats/singlegender). En. Pdf.
- Tirri, K. (2006). **Conceptual definition and empirical validation of the spiritual sensitivy scale**, Journal of empirical Theology, 19 (1):37-62.
- Vaughan, F. (2002). **what is spiritual Intelligence?** Journal of Humanistic Psychology, Vol. (42), No. (2). P:16-33.
- Wigglesworth, C. (2006). **Why spiritual intelligence is essential to mature leadership**. President, conscious Pursuits, Inc.
- Zohor, D. , & Marsholl, I. (2000). **SQ: Spiritual intelligence: The ultimate intelligence**. New York: NY, USA: Bloomsbury.